

Objectives and Content of the Empowerment Curriculum for Multigrade Primary School Teachers

Abdolkarim Elahi¹, Hassan Saemi^{2*}, Ali Asghar Bayani¹, Mohammad Mehdi Naderi³, Kazem Shariatnia⁴

¹ Department of Educational Sciences, Az.C., Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

^{2*} Department of Educational Sciences, Az.C., Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

³ Department of Philosophy, Az.C., Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

⁴ Department of Psychology, Az.C., Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Abstract

The aim of the present study was to develop the objectives and content of a curriculum for empowering multigrade primary school teachers. The research method was conventional qualitative content analysis. The participants included faculty members of the Department of Educational Sciences and multigrade teachers in Golestan Province. The sampling method was purposive sampling, and data collection continued until data saturation, which was achieved with 15 participants. Semi-structured interviews were used to collect data. To ensure the accuracy and credibility of the data, peer review and participant review were employed. Qualitative content analysis was used for data analysis. The results showed that the curriculum objectives consisted of 29 concepts, eleven subcategories, and five main categories, which were: evaluating and improving teachers' psychological and professional skills, enhancing occupational, individual, and psychological competencies, increasing the use of modern teaching methods, improving and managing the process and quality of education, and recognizing and managing cultural and social differences. The curriculum content also consisted of eleven concepts, four subcategories, and one main category, which was: attention to individual, social, and psychological dimensions. This category included the subcategories of individual skills, professional skills, psychological skills and their application, and offering courses related to social life skills.

Keywords

Empowerment, teachers, multigrade, primary education

Received
2025/06/04

Accepted
2025/07/21

* Corresponding author:
ha.saemi@iau.ac.ir

Copyright © 2025, Author(s).
This is an open-access article
published by Islamic Azad
University, Sar.C. under the
terms of the Creative Commons
Attribution- CC BY 4.0 License
(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) which permits
unrestricted use, distribution, and
reproduction in any medium,
provided the original work is
properly cited.



اهداف و محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان چند پایه دوره ابتدایی

عبدالکریم الهی^۱، حسن صائمی^۲، علی‌اصغر بیانی^۱، محمدمهدی نادری^۳، کاظم شریعت‌نیا^۴

^۱ گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
^۲ گروه علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
^۳ گروه فلسفه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
^۴ گروه روانشناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان چندپایه دوره ابتدایی بود. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی قراردادی بود. مشارکت کنندگان اعضای هیأت علمی گروه علوم تربیتی و معلمان چندپایه استان گلستان را در برگرفت. روش نمونه‌گیری، هدفمند بود. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه داشت که در نمونه ۱۵ تحقق یافت. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. به‌منظور اطمینان از صحت و اعتبار داده‌ها از بازنگری ناظرین و بازنگری مشارکت کنندگان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید. نتایج نشان داد اهداف برنامه درسی از ۲۹ مفهوم، یازده مقوله فرعی و پنج مقوله اصلی تشکیل می‌شود که عبارت بودند از: ارزیابی و بهبود مهارت روان‌شناختی و شغلی معلمان، افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی، افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس، بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش، شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی. محتوای برنامه درسی نیز از یازده مفهوم، چهار مقوله فرعی و یک مقوله اصلی تشکیل شد که عبارت بودند از: توجه به ابعاد فردی و اجتماعی و روان‌شناختی؛ این مقوله از زیر مقوله مهارت‌های فردی، مهارت‌های شغلی، مهارت‌های روان‌شناختی و کاربرد آن و ارائه دروس در خصوص مهارت‌های زندگی اجتماعی.

تاریخ دریافت
۱۴۰۴/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش
۱۴۰۴/۰۴/۳۰

* نویسنده مسئول
ha.saemi@iau.ac.ir

حق تألیف برای مؤلفان محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد، توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و تحت مجوز کربتیو کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) منتشر شده است که طبق مفاد آن هرگونه استفاده، تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

واژگان کلیدی

برنامه درسی، توانمندسازی معلمان، چندپایه، دوره ابتدایی

مقدمه

تعلیم و تربیت از مهمترین و پیچیده‌ترین اموری است که نقش بسیار مؤثری در زندگی انسان دارد. آموزش و پرورش نهادی است که بر رویکرد اخلاقی و فرهنگی جامعه اثر مستقیم دارد، چرا که در سنین کودکی و نوجوانی آموزه‌ها در وجود آدمی نهادینه شده و تربیت صحیح شکل می‌گیرد و بیشتر افراد جامعه با هر زبان و فرهنگ حداقل یک دوره تحصیلی را در مدرسه می‌گذرانند (بست، ۲۰۱۶). آموزش ابتدایی به عنوان یک پایه اساسی برای رشد فردی و اجتماعی شناخته می‌شود. این آموزش تأثیر زیادی بر رشد فکری، اجتماعی و اقتصادی کودکان دارد و به توسعه اقتصادی ملی کمک می‌کند (فرناندز، ۲۰۲۴). افزایش تغییرات و گسترش مناسبات بین‌المللی چالش‌هایی را برای انسان ایجاد کرده است که ضرورت به‌روزرسانی مداوم دانش و دانایی محوری را، بویژه در نظام تعلیم و تربیت، گوشزد می‌کند. در جامعه دانایی‌محور، رکن اصلی و اساسی توسعه، نیروی انسانی فرهیخته و خردمند است که در رأس آنها معلم قرار دارد (نیازآذری و همکاران، ۱۳۹۰)، آن هم معلمی که از قابلیت‌های لازم و متناسب با حرفه معلمی برخوردار باشد. یکی از روش‌های کسب قابلیت‌ها و صلاحیت‌های لازم برای حرفه معلمی، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان است. توانمندسازی به عنوان یک مفهوم چندبعدی در زمینه‌های مختلف تعریف شده است. به‌طور کلی، توانمندسازی به فرآیندی اشاره دارد که افراد یا گروه‌ها را قادر می‌سازد تا کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و به اهداف خود دست یابند. این مفهوم شامل جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، و سیاسی است، توانمندسازی روان‌شناختی شامل افزایش خودمختاری، شایستگی، معنا و تأثیرگذاری افراد است که منجر به انگیزه درونی و رضایت شغلی می‌شود (یانگ، ۲۰۲۴). در زمینه اجتماعی، توانمندسازی به تقویت جوامع محلی و ایجاد فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد (پیترو^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). توانمندسازی اقتصادی به استفاده از رویکردهای مبتنی بر نقاط قوت برای کاهش فقر و ایجاد فرصت‌های اقتصادی اشاره دارد (ایکی^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). این مفهوم همچنین در حوزه‌های خاص مانند سلامت، بازاریابی اجتماعی، و سیستم‌های الکترونیکی سلامت به کار گرفته شده است تا افراد را در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به منابع توانمند سازد (آنشری^۳ و همکاران،

1. Petriello

2. Eki

3. Anshari

۲۰۲۴). منظور از توانمندسازی حرفه‌ای، تلاش هماهنگ در محیط آموزشی، برای افزایش انگیزه ذاتی معلمان است، به گونه‌ای که هر معلم، در بهترین حالت، مایل به دستیابی به آن است. توانمندسازی، به‌عنوان یک فرآیند، انگیزه درونی معلمان را موجب می‌شود تا بهترین توانایی را کسب کنند و در دنیای مدرن امروز از اهمیت حیاتی برخوردار است (توماس، ۲۰۱۷). توانمندسازی به افراد اجازه می‌دهد دانش خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و نقش خود را برای ارتقای خلایق در شغل افزایش دهند و در جستجوی راه‌های خلاقانه برای اصلاح خطاها و بازسازی فرآیندهای کاری باشند (احمد و همکاران، ۲۰۱۶).

پژوهشگران معتقدند توانمندسازی عملکرد شغلی را افزایش می‌دهد و یک گزینه مدیریت استراتژیک است که می‌تواند کارکنان را به کار و فعالیت فراتر از حد معمول تشویق کند و توانایی آنها را برای پاسخ سریع به خواسته‌های مشتری افزایش دهد. مهمتر از همه، توانمندسازی می‌تواند وابستگی کارکنان را به مشاغل خود افزایش دهد (چوی و همکاران^۱، ۲۰۱۶). توانمندسازی معلمان، دامنه‌ای متفاوت از توانمندسازی سایر مشارکت‌کنندگان محیط آموزشی یا کارکنانی که خارج از بخش آموزش فعالیت می‌کنند، دارد و با توجه به میزان توانایی آنان در مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به یادگیری و تدریس فراگیر مدرسه تعریف می‌شود (بالکار^۲، ۲۰۱۵). توانمندسازی وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در مورد معلمان کلاس‌های چندپایه باشد. منظور از کلاس چندپایه کلاس‌هایی است که در طول سال تحصیلی دانش‌آموزان با سن، توانایی و پایه تحصیلی متفاوت، همه در یک اتاق و توسط یک معلم آموزش می‌بینند (مشکین‌فام و همکاران، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر، کلاس‌های چندپایه به کلاس‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها دانش‌آموزان از دو یا چندپایه تحصیلی توسط یک معلم به‌طور هم‌زمان آموزش داده می‌شوند. این نوع کلاس‌ها معمولاً به دلایل اداری مانند تعداد کم دانش‌آموزان یا محدودیت منابع تشکیل می‌شوند. همچنین، در برخی موارد، کلاس‌های چندپایه به دلایل آموزشی و فلسفی برای بهره‌گیری از مزایای گروه‌بندی سنی متفاوت ایجاد می‌شوند (بری، ۲۰۰۰). در تعریف جدیدتر این کلاس‌ها بر اهمیت استفاده از روش‌های آموزشی خاص تأکید دارد که به معلمان کمک می‌کند تا با تنوع دانش‌آموزان

در کلاس‌های چندپایه به‌طور مؤثر برخورد کنند. این روش‌ها شامل برنامه‌های درسی مارپیچی، یادگیری هم‌تا به هم‌تا و برنامه‌ریزی آموزشی انعطاف‌پذیر است (هیری-بهمار^۱، ۲۰۱۵). علاوه بر این، کلاس‌های چندپایه می‌توانند به رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان کمک کنند، اما چالش‌هایی مانند محدودیت زمانی و کمبود منابع آموزشی نیز دارند (یلمز و همکاران^۲، ۲۰۲۴).

در تحلیل کلاس چندپایه دو دیدگاه اصلی مخالف و موافق وجود دارد. برخی این کلاس‌ها را جزء معضلات آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود و برخی دیگر وجود این کلاس‌ها را فرصتی برای آموزش و پرورش بهینه به شمار آورده‌اند (بهمن نیا و همکاران، ۱۳۹۶). از آنجا که نظریات متعددی از همان آغاز تعلیم و تربیت بویژه در دهه‌های پایانی، در مورد تحولات مدیریت کلاس چندپایه، کیفیت آموزشی (شیوه‌ها، روش‌ها، تجهیزات) و تربیت نیروی انسانی کارآمد برای این کلاس‌ها به وجود آمده است، پس بهبود کیفیت در این کلاس‌ها یک ضرورت محسوب می‌شود (کوپر و التون-چالکرافت^۳، ۲۰۱۸). در این برهه از زمان در اکثر کشورهای دنیا، برای جلوگیری از بی‌سوادی در روستاهای دورافتاده و کم جمعیت، دولت‌ها خواهان مدرسی دارای کلاس‌های چندپایه و حاکمیتی کردن آن بوده‌اند (کاراربا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). فارغ از قضاوت پیرامون این دیدگاه‌ها، کلاس داری در این کلاس‌ها، همواره فراز و نشیب‌هایی به همراه داشته که بررسی آن چراغ راه تصمیمات آینده برای بهبود مدیریت کلاس‌های چندپایه توسط رهبران آموزشی است (تراپ^۵، ۲۰۱۷، دریسکول، ۲۰۱۷). پژوهش‌هایی در خصوص توانمندسازی معلمان انجام شده است. ادیب‌منش (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تجارب زیسته معلمان دوره ابتدایی و متوسطه از چالش‌های تدریس و ارائه راهکارهایی به‌منظور توانمندسازی معلمان برای تدریس در فضای مجازی دریافت که مهمترین چالش‌های فضای مجازی در چهار تم اصلی (آموزشی، اداری، سخت‌افزاری و فرهنگی-اجتماعی) است. متناسب با این آسیب‌ها درباره دانش‌افزایی، مهارت افزایی و بالا بردن انگیزه معلمان، راهبردها و راهکارهایی برای استفاده مطلوب‌تر از شیوه‌های نوین در فضای مجازی پیشنهاد شد. شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان طراحی الگوی

1. Hyry-Beihammer

2. Yilmaz

3. Cooper & Elton-Chalcraft

4. Karareba

5. Thrupp

توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی با رویکرد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران دریافتند که عوامل مؤثر بر توانمندسازی معلمان شامل ابعاد: زمینه‌ای (فناوری و ارتباطات، عوامل فرهنگی و عوامل اقتصادی)، سازمانی (اهداف و راهبرد، منابع و تجهیزات و نظارت و ارزیابی) و فردی با مؤلفه‌های (روان‌شناختی، حرفه‌ای و اعتقادی اخلاقی) هستند. از مؤلفه‌های بعد زمینه‌ای، فناوری و ارتباطات، از مؤلفه‌های بعد سازمانی، منابع و تجهیزات و از بعد فردی، مؤلفه حرفه‌ای بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی داشتند.

آکداس و کالمن^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان چالش‌هایی که بر فرآیند یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه تأثیر می‌گذارد، دریافتند که چالش‌هایی که معلمان در پاندمی با آن رو به رو بودند شامل بی‌تفاوتی والدین، رویکرد دانش‌آموزان به یادگیری، مواد یادگیری نامناسب، قطع مکرر آب و برق، کمبود زیرساخت‌های اینترنتی، مشکلاتی در فاصله اجتماعی کلاس‌ها و مشکلات تدریس در شرایط پاندمی بود. میناندو^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی در مورد راهبردهای برنامه درسی به وسیله معلمان چندپایه در مناطق حاشیه‌ای در املازی کشور آفریقای جنوبی دریافت که راهبردهایی که در ادبیات مشخص شده عبارتند از کلاس‌های مختلط با سنین مختلف، مدل شبه تک‌پایه‌ای، رویکرد یادگیرنده‌محور در کلاس‌های چندپایه و آموزش همسالان در کلاس‌های چندپایه است. یافته‌ها از تجربیات معلمان چندپایه چالش‌هایی را مشخص کرد که در این کلاس‌ها وجود دارد. با توجه به نقش مهم اهداف و محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان، مطلوب است که پژوهش‌هایی در این خصوص صورت گیرد، اما بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های محدودی در این خصوص صورت گرفته و خلأ پژوهشی در این زمینه کاملاً بارز و مشخص است. لذا، این پژوهش با هدف تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان چندپایه طراحی شد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که برنامه درسی توانمندسازی معلمان چندپایه چه اهداف و محتوایی دارد؟

1. Akdaş & Kalman

2. Mnyandu

روش‌شناسی

روش پژوهش در بخش کیفی، تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی است. تحلیل محتوای قراردادی زمانی مناسب است که نظریه‌ها یا ادبیات پژوهش درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت، پژوهشگران از به‌کاربردن طبقه‌های پیشین پرهیز می‌کنند و به‌جای آن از طبقه‌هایی که از داده‌ها به‌دست آمده استفاده می‌کنند. اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه و اسناد تحلیل می‌شوند و این تحلیل داده‌ها تا جایی ادامه می‌یابد، تا به درکی کامل برسند. پژوهشگر بر اساس درک و فهم خود از متن، تحلیل اولیه را آغاز می‌کند و این کار را ادامه می‌دهد تا به رموز یا کدها برسد؛ سپس با دسته‌بندی رموز یا کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقوله‌ها شکل می‌گیرد (هسیه و شانون^۱، ۲۰۰۵). جامعه هدف در بخش کیفی دو گروه خبره بودند: ۱) اعضای هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان گلستان که سابق تدریس در کلاس‌های چندپایه را داشتند. ۲) راهبران معلمان کلاس‌های چندپایه که دارای حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم تربیتی بودند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بود. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه داشت که این هدف در نمونه ۱۵ تحقق یافت. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان بخش کیفی آمده است.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. قبل از مصاحبه در مورد اهداف مطالعه، علت ضبط مصاحبه، محرمانه بودن اطلاعات و هویت مشارکت‌کنندگان به آنها اطلاعات داده و ابهامات برطرف شد. برای تأمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها سه نفر از همکاران و یک ناظر که افرادی متخصص در زمینه پژوهش کیفی بودند و با روش تجزیه و تحلیل داده آشنایی داشتند، صحت فرآیند کدگذاری کنترل شد (بازنگری ناظرین). برای اطمینان از صحت و اعتبار داده‌ها و مفاهیم استخراج شده از بازنگری شرکت‌کنندگان استفاده شد؛ مطالبی که یادداشت‌برداری شده بود مورد بازنگری قرار گرفت و جهت اصلاح به مشارکت‌کنندگان در پژوهش فرستاده شد و مفاهیمی که بیانگر دیدگاه شرکت‌کنندگان نبود اصلاح گردید. برای تأییدپذیری مفاهیم استخراج شده توسط افراد متخصص و استادان که در زمینه کار کیفی دارای تجربه کافی بوده‌اند کنترل و تأیید شد. اعتماد و حساسی مراحل پژوهش به‌طور دقیق ثبت و

گزارش شد تا امکان پیگیری تحقیق برای دیگران فراهم شود. همچنین چند مورد مصاحبه‌ها به صورت جداگانه کدگذاری شد و میزان شباهت‌های کدها بررسی شد و یک نتیجه کلی حاصل شد. برای انتقال‌پذیری نیز، سعی شد با توجه به تخصص و جایگاه سازمانی هر یک از مصاحبه‌شوندگان و لحاظ کردن این موضوع در انتخاب آنها، احتمال انتقال مفاهیم به سایر محیط‌ها افزایش داده شود. جهت انتقال‌پذیری و تناسب باید به توصیف غنی و توصیف کامل مراحل کار پرداخته شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی استفاده گردید.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان بخش کیفی

فرد مصاحبه شونده	سن	تحصیلات	شغل	سابقه کار
مصاحبه شونده شماره ۱	۴۷	دکتری	هیأت علمی	۲۳
مصاحبه شونده شماره ۲	۳۳	فوق لیسانس	معلم راهبر	۱۰
مصاحبه شونده شماره ۳	۴۰	دکتری	معلم راهبر	۱۵
مصاحبه شونده شماره ۴	۴۴	فوق لیسانس	معلم راهبر	۱۲
مصاحبه شونده شماره ۵	۵۵	فوق لیسانس	معلم راهبر	۲۰
مصاحبه شونده شماره ۶	۲۹	فوق لیسانس	معلم راهبر	۱۰
مصاحبه شونده شماره ۷	۳۱	فوق لیسانس	معلم راهبر	۹
مصاحبه شونده شماره ۸	۳۳	فوق لیسانس	معلم راهبر	۹
مصاحبه شونده شماره ۹	۴۱	فوق لیسانس	معلم راهبر	۱۲
مصاحبه شونده شماره ۱۰	۴۲	دکتری	معلم راهبر	۱۸
مصاحبه شونده شماره ۱۱	۴۶	دکتری	هیأت علمی	۲۱
مصاحبه شونده شماره ۱۲	۴۷	دکتری	هیأت علمی	۲۰
مصاحبه شونده شماره ۱۳	۳۸	فوق لیسانس	معلم راهبر	۶
مصاحبه شونده شماره ۱۴	۲۹	فوق لیسانس	معلم راهبر	۷
مصاحبه شونده شماره ۱۵	۳۵	فوق لیسانس	معلم راهبر	۸

یافته‌ها

سؤال اول: اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه چیست؟
در جدول ۲، مفاهیم و زیر مقوله‌ها و مقوله‌های اصلی اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان چندپایه آمده است.

جدول ۲. مفاهیم، زیر مقوله‌ها و مقوله‌های اصلی اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
- بهبود عملکرد معلمان (م ۱)		
- افزایش سطح توانایی معلمان (م ۳ و م ۱۳)	بهبود وضعیت توانایی معلمان	ارزیابی و بهبود مهارت روان‌شناختی و شغلی معلمان
- افزایش صلاحیت آموزشی معلمان (م ۴)		
- شناخت نقاط ضعف معلمان (م ۱۲)	شناخت و ارزیابی میزان توانایی معلمان	
- سنجش و ارزیابی توانایی‌های معلمان (م ۷ و م ۱۲)	معلمان	پایش سلامت روانی معلمان
- سنجش و ارزیابی سلامت روانی معلمان (م ۱۴)		
- شناخت نقاط قوت و ضعف روان‌شناختی معلمان (م ۵)	پایش سلامت روانی معلمان	
- آموزش مهارت مدیریت روان‌شناختی در دروس (م ۱۲)		
- افزایش خلاقیت (م ۱۳)	تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان	افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی
- تقویت روان‌شناسی حرفه‌ای		
- تقویت توانایی روان‌شناختی (م ۱۲)		
- تقویت نیروی انسانی (م ۶)		
- تقویت مهارت مدیریت کلاس (م ۱، م ۱۰)	افزایش مهارت‌های فردی معلمان	افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس
- تقویت مهارت‌های بیانی و رفتاری (م ۱۲)		
- تدارک تجربه‌های غنی فردی و گروهی (م ۱۳)	آشنایی بیشتر با اصول و مبانی آموزش	
- بهبود عملکرد آموزشی و تربیتی (م ۴)		
- تقویت فعالیت‌های مشارکتی در تدریس (م ۱)		
- آشنایی با روش‌های تدریس متنوع (۱۵)	شناخت شیوه‌های تدریس نوین و پر بازده	
- آموزش به کارگیری روش‌های تدریس مطبوع (م ۱۵)		
- افزایش کیفیت بازده دانش‌آموزان (م ۴)	سنجش و افزایش کیفیت آموزش	بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش
- پایش و سنجش کیفیت آموزش (م ۱۱)	آموزش	

جدول ۲. مفاهیم، زیر مقوله‌ها و مقوله‌های اصلی اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
- شناسایی عوامل مؤثر در افزایش کیفیت دانش‌آموزان (م ۱۱)		
- کاهش هزینه‌های آموزشی معلمان (م ۵)	مدیریت مناسب مالی و زمانی	
- مدیریت زمان (م ۶)		
- آشنایی با فرهنگ منطقه و آموزش‌های فرهنگی (م ۷)	اهمیت سازگاری و شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ	شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی
- تقویت ابعاد اجتماعی (م ۶)		
- افزایش سازگاری معلمان (م ۱۵)		
- توجه به تفاوت‌های جنسیتی در حوزه آموزش (م ۱۳، ۷)	شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی	
- توجه به ویژگی‌ها و نیازهای متفاوت دختران و پسران (م ۱۳)		

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد از تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به اهداف طراحی برنامه‌درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه ۲۹ مفهوم و ۱۱ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی به‌دست آمد که مقوله‌های اصلی عبارت بودند از: ارزیابی و بهبود مهارت روان‌شناختی و شغلی معلمان، افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی، افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس، بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش، شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی.

الف- ارزیابی و بهبود مهارت‌های روان‌شناختی و شغلی معلمان: این مقوله از زیر مقوله‌های بهبود وضعیت توانایی معلمان، شناخت و ارزیابی میزان توانایی معلمان و پایش سلامت روانی معلمان تشکیل شد.

زیر مقوله فرعی اول: *ارزیابی و بهبود مهارت‌های روان‌شناختی و شغلی معلمان*: این زیرمقوله از مفاهیم بهبود عملکرد معلمان، افزایش سطح توانایی معلمان، افزایش صلاحیت آموزشی معلمان تشکیل شد.

بهبود وضعیت توانایی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: «خب قطعاً نیروی انسانی توانمند می‌تواند عملکرد مناسب تری داشته باشد نیروهای انسانی به‌عنوان محرکی بسیار قوی در این زمینه

عمل می‌کنند و آن چیزی که رشد را مهیا می‌کند، انگیزه و مسئولیت‌پذیری و خلاقیت است و در صورت تقویت این عوامل می‌توان گفت که نتیجه به مراتب بهتر خواهد بود.

افزایش سطح توانایی معلمان و افزایش صلاحیت آموزشی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۳ گفت: «اگر بخواهیم تغییری در زندگی اجتماعی به وجود آوریم باید از مدرسه آغاز کنیم و اگر بخواهیم تغییری را از مدرسه شروع کنیم، بی‌تردید باید از معلم شروع کنیم و مهم اینکه هیچ اصلاحی نمی‌تواند بدون همکاری و مشارکت فعال معلمان موفق شود. در عصر دانایی معلمان باید به مهارت‌هایی دست پیدا کنند تا به کمک آنها از قافله علم و تکنولوژی که به سرعت از کنار ما می‌گذرد، عقب نمانند به صلاحیت آموزش مناسب معلمان توجه شود، از توانایی و مهارت معلمان به‌طور مناسب و بهینه تر استفاده شود برای همین امر لازم است که قبل از گماردن افراد در سمت معلمی میزان توانایی آنها شناسایی شود». مصاحبه شونده شماره ۱۳ گفته است که «معلمان به خصوص در کشورهای در حال رشد نتوانسته‌اند همگام با پیشرفت دانش پیش بروند، در کشور ما نیز در پاره‌ای مواقع این امر مشهود است، برای بهبود شرایط و تقویت معلمان لازم است که توانایی و مهارت‌های معلمان افزایش پیدا کند و آنها بتوانند شرایط را بهتر مدیریت کنند».

زیر مقوله فرعی دوم: شناخت و ارزیابی میزان توانایی معلمان: این مقوله از مفاهیم شناخت نقاط ضعف معلمان و سنجش و ارزیابی توانایی‌های معلمان تشکیل شد.

نقاط ضعف و قوت معلمان: مصاحبه شونده شماره ۱۲ گفت: «اصول روان‌شناسی تربیتی به معلمان کمک می‌کنند که نقاط قوت، ضعف، تاریخچه یادگیری و انگیزه محصلان را در زمینه‌های اجتماعی و محیطی درک نمایند، برای بهبود شرایط در مدارس چندپایه لازم است که مهارت‌های روان‌شناختی معلمان بهبود و تقویت شود».

سنجش و ارزیابی توانایی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۷ گفت: «برای برنامه‌ریزی دقیق و بهتر قبل از هر چیزی لازم است شناخت کافی از شرایط به دست آید، وقتی توانایی معلمان در حوزه‌های مختلف شناسایی بشود و نقاط ضعف و قوت نیز شناسایی شود، بهتر می‌توان برنامه‌ریزی کرد، الگو سازی کرد، نباید نگاه از بالا باشد، باید با توجه به ظرفیت‌های موجود تصمیم‌گیری صورت گیرد».

زیر مقوله فرعی سوم: پایش سلامت روانی معلمان: این زیر مقوله از مفاهیم سنجش و ارزیابی سلامت روانی معلمان و شناخت نقاط قوت و ضعف روان‌شناختی معلمان.

سنجش و ارزیابی سلامت روانی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۱۴ گفت: «برای توانمندسازی نیروی انسانی در آموزش پرورش و مدارس چندپایه باید بر ابعاد روان‌شناختی، و حرفه‌ای معلمان کلاس‌های چندپایه باید تمرکز بیشتری صورت بگیرد، به همین دلیل نیاز است که معلمان از این نظر پایش و ارزیابی شوند، و سلامت روانی و توانایی لازم آنها تایید شود، زیرا اگر معلمان از لحاظ روان‌شناختی تقویت شوند، قطعاً می‌توانند تأثیری بهتری بر روی دانش‌آموزان داشته باشند».

شناخت نقاط قوت و ضعف روان‌شناختی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۵ گفت: «افزایش کیفیت آموزشی، تقویت نیروی انسانی شناخت نقاط ضعف و قوت روان‌شناختی معلمان، می‌توان گفت از اصلی‌ترین اهدافی است که از توانمندی معلمان کلاس‌های چندپایه مدنظر است؛ تأکید بر روی عوامل روان‌شناختی به دلیل تأثیر گذرای مستقیم این عوامل بر روی رفتار معلم است؛ معلمی که توانایی کنترل شرایط را از لحاظ روانی دارد قطعاً بهتر می‌تواند نتیجه بگیرد».

ب- افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی: این مقوله از زیر مقوله‌های تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان و افزایش مهارت‌های فردی معلمان تشکیل شده است.

زیر مقوله فرعی چهارم: تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان: این زیر مقوله از مفاهیم آموزش مهارت مدیریت روان‌شناختی در دروس، افزایش خلاقیت و تقویت روان‌شناسی حرفه‌ای و تقویت توانایی روان‌شناختی تشکیل شد.

آموزش مهارت مدیریت روان‌شناختی در دروس: مصاحبه شونده شماره ۱۲ گفت: «اصول روان‌شناسی تربیتی به معلمان کمک می‌کنند که نقاط قوت، ضعف، تاریخچه یادگیری و انگیزه محصلان را در زمینه‌های اجتماعی و محیطی درک نمایند، برای بهبود شرایط در مدارس چندپایه لازم است که مهارت‌های روان‌شناختی معلمان بهبود و تقویت شود به همین سبب لازم است که مهارت مدیریت روان‌شناختی در دروس به معلمان آموزش داده شود تا بتوانند مدیریت مناسبی در این خصوص داشته باشند».

زیر مقوله فرعی پنجم: افزایش مهارت‌های فردی معلمان: این زیر مقوله از مفاهیم تقویت نیروی انسانی، تقویت مهارت مدیریت کلاس و تقویت مهارت‌های بیانی و رفتاری تشکیل شد.

تقویت نیروی انسانی: مصاحبه شونده شماره ۶ گفت: «معلمان نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند. آنها مسؤول آموزش و پرورش فرزندان ما هستند و تأثیر عمیقی بر زندگی آنها می‌گذارند. آموختن

مهارت‌های لازم معلمان کمک می‌کند تا معلمان بتوانند به‌طور مؤثر تدریس کنند و دانش‌آموزان را به موفقیت برسانند به همین سبب لازم است که خود معلمان در حوزه شغلی خود شناخت مناسب داشته باشند و تقویت بشوند در خصوص ابعادی که ضعف دارند، تا بتوانند بهتر عمل کنند برای همین نیاز است که برنامه‌ریزی صورت بگیرد».

تقویت مهارت مدیریت کلاس: مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ گفت: «قطعاً اولین چیزی که در حوزه کلاس‌های چندپایه مطرح می‌شود توانایی مدیریت مناسب کلاس است، یک معلم توانا باید بتواند کلاس درس خود را به‌خوبی مدیریت کند و نظم را در کلاس برقرار کند، قطعاً باید در الگوی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه به این امر توجه شود».

در ادامه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ گفت: «اگر هدف اصلی و اساسی، بهبود عملکرد تحصیلی باشد توسعه حرفه‌ای برای معلمان ضرورت پیدا می‌کند. هنگامی که معلم به نحوی آموزش ببیند که همواره درباره شیوه تدریس، مهارت‌های فردی دغدغه داشته باشد؛ مسلماً وضعیت آموزشی دانش‌آموزان بسیار بهبود پیدا می‌کند به همین سبب نیاز است که مهارت‌های بیانی و رفتاری معلمان تقویت شود و شرایط بهتر شود».

ج. افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس: این مقوله از زیر مقوله‌های آشنایی با اصول و مبانی آموزش و شناخت شیوه‌های تدریس نوین و پر بازده تشکیل شده است.

زیر مقوله فرعی ششم: آشنایی با اصول و مبانی آموزش: این زیرمقوله از مفاهیم تدارک تجربه‌های غنی فردی و گروهی و بهبود عملکرد آموزشی و تربیتی تشکیل شد.

تدارک تجربه‌های غنی فردی و گروهی در الگوی برنامه درسی: مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ گفت: «در الگوی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه قطعاً باید پایه‌ای‌تر و اصولی‌تر به مسایل نگاه کرد، برای رسیدن به نتایج بهتر باید اصول و مبانی آموزش در این الگو لحاظ شود و دوره‌های آموزشی در این خصوص ارائه شود به همین سبب لازم است که عملکرد آموزشی و تربیتی معلمان از طریق یادگیری اصول و مبانی تقویت شود».

بهبود عملکرد آموزشی و تربیتی معلمان: مصاحبه‌شونده شماره ۴ گفت: «باید نتیجه و هدفی داشته باشد هر توانمندی، از همین روی باید عملکرد آموزشی و تربیتی معلمان بهبود پیدا کند، پس باید برنامه درسی به‌طوری طراحی شود که جنبه‌های مختلف در افراد تقویت شود، اطلاعات افراد بالا

برود، مهارت آنها افزایش پیدا کند، سطح توانایی آنها افزایش پیدا کند تا بتواند در عمل نیز خود را نشان دهد».

زیرمقاله فرعی هشتم: شناخت شیوه‌های تدریس نوین و پر بازده: این زیر مقوله از مفاهیم تقویت فعالیت‌های مشارکتی در تدریس، آشنایی با روش‌های تدریس متنوع و آموزش به کارگیری روش‌های تدریس مطبوع تشکیل شد.

مفهوم تقویت فعالیت‌های مشارکتی در تدریس: مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: «یک معلم خوب و خردمند بهترین شیوه تدریس را برمی‌گزیند؛ در نتیجه همواره دلیلی برای نوع تدریس خود دارد. خود این دلیل‌های قانع کننده معلم، نشان دهنده موفقیت در توسعه حرفه‌ای و در نتیجه، پیشرفت می‌باشد، قطعاً مشارکت داشتن خود دانش‌آموزان در فرآیند آموزش می‌تواند نتایج بهینه‌ای را به همراه داشته باشد، در الگوی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه باید فعالیت‌های مشارکتی تقویت شود تا بتوانند در کلاس‌های درس خود نیز این امر را پیاده کنند».

آشنایی با روش‌های تدریس متنوع و آموزش به کارگیری روش‌های تدریس: مصاحبه شونده شماره ۱۵ می‌گوید: «برای به نتیجه رسیدن بهتر همواره نباید از یک روش تدریس استفاده کرد، ممکن است یک روش تدریس برای یک درس بازده خوبی داشته باشد اما برای درس دیگر یا پایه دیگر پاسخ‌گویی مناسب نداشته باشد، از همین جهت به اعتقاد من بهتر است معلمان کلاس‌های چندپایه روش‌های مختلف تدریس را فرا بگیرند تا در خور موقعیت از آنها استفاده کنند».

د. بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش: این مقوله از زیر مقوله‌های سنجش و افزایش کیفیت آموزش و مدیریت مناسب مالی و زمانی تشکیل شده است.

زیرمقاله فرعی هشتم: سنجش و افزایش کیفیت آموزش: این زیر مقوله از مفاهیم افزایش کیفیت بازده دانش‌آموزان، پایش و سنجش کیفیت آموزش و شناسایی عوامل مؤثر در افزایش کیفیت دانش‌آموزان تشکیل شد.

افزایش کیفیت بازده دانش‌آموزان: مصاحبه شونده شماره ۴ گفت: «یکی از اهدافی که میشه گفت در راستای تقویت معلمان کلاس‌های چندپایه دنبال می‌شود افزایش کیفیت آموزشی دانش‌آموزان می‌باشد، به طور قطع معلمی که خود دارای توانایی کافی و لازم برای تربیت دانش‌آموز در فضای

کلاس‌های چندپایه می‌باشد، نتایج کاری بهتری نیز خواهد داشت و در پی این نتایج مثبت، افزایش مهارت‌های نوشتاری و خوانشی دانش‌آموزان نیز رویت خواهد شد.

پایش و سنجش کیفیت آموزش: مصاحبه شونده شماره ۱۱ گفت: «قطعاً برای ریشه‌یابی مسائل و برطرف کردن مشکلات موجود نیاز است که کیفیت آموزشی سنجیده شود، معلم باید بتواند بتواند به شیوه درست این کیفیت را بسنجد، باید از روش‌های مختلف استفاده کند تا بتواند بدون سوی گیری و بدون تأثیرپذیری از چیزی این کیفیت را بسنجد، به همین دلیل نیاز است که قبل از اقدامی کیفیت آموزشی توسط معلم یا عوامل دیگر سنجیده شود، همین سنجیدن نیاز به آموزش دارد، معلم باید بتواند بدون تأثیرگذاری بر روی سایر دانش‌آموزان و سایر پایه‌ها ارزیابی خود را انجام دهد، باید در این خصوص آموزش لازم را دریافت کند».

زیر مقوله فرعی نهم: مدیریت مناسب مالی و زمانی: این زیرمقوله از مفاهیم کاهش هزینه‌های آموزشی معلمان و مدیریت زمان تشکیل شد.

کاهش هزینه‌های آموزشی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۵ گفت: «افزایش کیفیت آموزشی، تقویت نیروی انسانی، کاهش هزینه‌های آموزشی، مدیریت زمان می‌توان گفت از اصلی‌ترین اهدافی است که از توانمندی معلمان کلاس‌های چندپایه مد نظر است، زیرا از این طریق می‌توان در زمان استفاده شده صرفه‌جویی کرد و در یک‌زمان مشخص آموزش‌های لازم را به چندین پایه ارائه کرد، در همین خصوص لازم است که معلمان از این منظر تقویت شوند تا این توانایی را برای اداره بهتر و مدیریت زمان کسب کنند».

مدیریت زمان مصاحبه شونده شماره ۶ گفت: «لزوم مدیریت زمان و اجبار در این حوزه توسط مراکز آموزشی، بروز مسایل و مشکلات آموزشی برای دانش‌آموزان، نبود بودجه مالی مناسب در این زمینه از جمله مواردی است که سبب شده است توانمندی معلمان کلاس‌های چندپایه اولویت شود».

و. شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی: این مقوله از زیر مقوله‌های اهمیت سازگاری و شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ و شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی تشکیل شده است.

زیر مقوله فرعی دهم: اهمیت سازگاری و شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ: این زیر مقوله از مفاهیم آشنایی با فرهنگ منطقه و آموزش‌های فرهنگی، تقویت ابعاد اجتماعی و افزایش سازگاری معلمان تشکیل شد.

آشنایی با فرهنگ منطقه و آموزش‌های فرهنگی: مصاحبه شونده شماره ۷ گفت: «وظیفه آموزش و پرورش است که کودک را هم فردی شایسته بار آورد تا برای خود دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا فردی مفید برای دیگران باشد. برای این امر نیاز است معلم خود توانایی لازم را داشته باشد، فرهنگ موجود را شناخته باشد، خب از نظر من اهداف تقویت و توانمندسازی معلمان چندپایه رو میشه این‌طوری تقسیم‌بندی کرد، تقویت ابعاد روان‌شناختی، آموزشی، فرهنگی».

تقویت ابعاد اجتماعی: مصاحبه شونده شماره ۶ گفت: «به نظر من این معلم‌ها از لحاظ شخصیتی و توانایی‌های شخصی باید تقویت شوند، از لحاظ روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی، حوزه مدیریت باید تقویت شوند، زیرا باید بتوانند از لحاظ اجتماعی آن‌قدر تقویت بشوند که بتوانند ارتباط مناسب بگیرند و بتوانند از پس چالش‌های پیشروی خود بر بیایند، خب اگر بخواهم اولویت‌بندی کنم می‌تونم بگم اول روان‌شناختی، شخصی، فرهنگی، مدیریتی، اجتماعی».

افزایش سازگاری معلمان: مصاحبه شونده شماره ۱۵ گفت: «برای اینکه یک فرد بتواند از پس چالش‌ها در حوزه تدریس بر بیاید باید بتواند توانایی سازگاری خود با شرایط مختلف را افزایش دهد، زیرا وقتی شرایط به گونه‌ای پیش آمده است که دانش‌آموزان از پایه‌های مختلف حضور دارند نیاز است که خود معلم نیز با این شرایط بهتر بتواند سازگار شود، به همین دلیل در برنامه توانمندسازی معلمان باید افزایش سازگاری معلمان نیز مدنظر قرار بگیرد».

زیر مقوله فرعی یازدهم: شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی: این زیر مقوله از مفاهیم توجه به تفاوت‌های جنسیتی در حوزه آموزش و توجه به ویژگی‌ها و نیازهای متفاوت دختران و پسران تشکیل شد.

توجه به تفاوت‌ها جنسیتی و توجه به ویژگی‌ها و نیازهای متفاوت دختران: مصاحبه شونده شماره ۱۳ در این خصوص گفت: «کلاس‌های چندپایه کلاس‌های مختلط هستند، معلم باید به تفاوت‌های موجود در بین دو جنس واقف باشد؛ باید بتواند به‌طور مناسب این تفاوت‌ها در حوزه آموزش را

مدیریت کند؛ آمادگی روان‌شناختی معلمان و میزان تسلط آنها در این حوزه بسیار می‌تواند راهگشا باشد، آشنایی با فرهنگ منطقه و آموزش‌های فرهنگی، افزایش مهارت سازگاری، افزایش مهارت‌های فردی از جمله مسائلی است که از دیدگاه من باید در این الگوهای توانمندسازی به آنها توجه شود».

اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چند پایه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
ارزیابی و بهبود مهارت روانشناختی و شغلی معلمان	بهبود وضعیت توانایی معلمان
	شناخت و ارزیابی میزان توانایی معلمان
	پایش سلامت روانی معلمان
افزایش مهارت‌های کاری و فردی روان‌شناختی	تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان
	افزایش مهارت‌های فردی معلمان
افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس	آشنایی بیشتر با اصول و مبانی آموزش
	شناخت شیوه‌های تدریس نوین و پربازده
بهبود و مدیریت و روند کیفیت آموزش	سنجش و افزایش کیفیت آموزش
	مدیریت مناسب مالی و زمانی
شناخت و مدیریت تفاوت‌های فردی و اجتماعی	اهمیت سازگاری شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ
	شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی

سؤال دوم: محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه شامل چیست؟
در جدول ۴ مفاهیم و مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه آمده است.

جدول ۴. مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
تقویت توانایی‌های فردی (م ۱۲)		
تمرینات مربوط به افزایش توانایی (م ۵)	مهارت‌های فردی	
آموزش مهارت ارتباطی (م ۱۲)		
آموزش امور مربوط به شغل معلمی (م ۱۴ و ۴ و ۱۵)	مهارت‌های شغلی	توجه به ابعاد فردی،
محتوی آموزشی و ارتقا سطح سواد رسانه‌ای (م ۶)		اجتماعی و روان‌شناختی
تقویت مهارت روان‌شناختی (م ۱۳)		محتوای توانمندسازی
آموزش اخلاق و امور اخلاقی (م ۳ و ۸)		
مسائل فرهنگی در حوزه کودکان (م ۱۵)	مهارت‌های روان‌شناختی و کاربرد آن	
روش‌های افزایش انگیزه دانش‌آموزان (م ۴)		
تمرینات و راهکارهای افزایش خلاقیت (م ۱)		
مهارت‌های اجتماعی و زندگی در محیط بزرگ‌تر	ارائه دروس در خصوص مهارت‌های	
(م ۱)	زندگی اجتماعی	

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد از تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه ۱۱ مفهوم، و ۴ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی به‌دست آمده: مقوله اصلی توجه به ابعاد فردی، اجتماعی و روان‌شناختی است که از زیر مقوله‌های مهارت‌های فردی؛ مهارت‌های شغلی؛ مهارت‌های روان‌شناختی و کاربرد آن؛ و ارائه دروس در خصوص مهارت‌های زندگی اجتماعی تشکیل شده است.

زیر مقوله فرعی اول: ارائه دروس در زمینه محتوای فردی و مهارت‌های فردی: این زیر مقوله از مفاهیم تقویت توانایی‌های فردی، تمرینات مربوط به افزایش توانایی و آموزش مهارت ارتباطی تشکیل شد.

تقویت توانایی‌های فردی: مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ گفت: «دانایی صرف یا در اختیار داشتن دانش و اطلاعات به خودی خود کارایی ندارد و اگر با توانایی، یعنی شگردهای به‌کارگیری و بهره‌مندی از دانش و اطلاعات، هم‌نشین نشود ناقص می‌ماند. اما اگر دانایی با رفتار و کردار همراه و همگام

شود، یعنی با توانایی دمساز گردد، کار آمد می‌شود، برای همین لازم است که معلمان در حوزه از لحاظ مهارت‌های فردی تقویت شوند تا بتوانند به درستی دروس لازم را ارائه بدهند».

افزایش توانایی: مصاحبه شونده شماره ۵ گفت: «از دیدگاه من باید به ابعاد روان‌شناختی، حرفه‌ای، خلاقیت محوری، فرهنگی، فردی در طراحی محتوی توانمندسازی معلمان توجه ویژه شود، زیرا این عوامل در تقویت کارکردی معلمان بسیار تأثیرگذار است، حالا چه خوب و چه بد کلاس‌های چندپایه وجود دارند مثل همه دنیا، پس باید با تدوین یک روش توانمندسازی مناسب معلمان را برای حضور در این عرصه آماده کرد برای همین لازم است که تمرینات کاربردی در این خصوص صورت بگیرد و در برنامه توانمندسازی اجرا شود».

آموزش مهارت ارتباطی: مصاحبه شونده شماره ۱۲ گفت: «یکی از مواردی که حتماً باید در محتوی دروس توانمندسازی معلمان گنجانده شود توجه به مهارت ارتباطی معلمان است، معلم باید بتواند با شاگردان و همکاران خود به نحو احسن ارتباط بگیرد، تا بتواند اطلاعات بگیرد و اطلاعات بدهد، این غیر قابل کتمان است که کمال در گرو ارتباط درست با دیگران است».

زیرمقوله فرعی دوم: *اوانه دروس در خصوص مهارت‌های شغلی*: این زیر مقوله از مفاهیم آموزش امور مربوط به شغل معلمی و محتوی آموزشی و ارتقا سطح سواد رسانه تشکیل شد.

محتوا شامل آموزش امور شغلی معلمان: مصاحبه شونده شماره ۱۴ گفت: «قطعاً باید محتوای تدارک دیده شود که در وهله اول امور شغلی معلمان را در بر داشته باشد، یکی سری کلیات بدون ربط به شرایط شغلی قطعاً به اون نتیجه لازم نمی‌رسد، باید در تدوین در جای جای تمامی مطالب ارتباط با حوزه شغلی رعایت شود». همچنین مصاحبه شونده شماره ۴ گفت: «آموزش و پرورش به منزله پرورش دهنده نیروی انسانی مورد نیاز در فرآیند تعامل فناورانه عصر دانایی نقش بی‌بدیل خود را در جهان حفظ کرده است. این آموزش و پرورش است که نیروی انسانی لازم برای فعالیت در عرصه‌های مختلف را تربیت می‌کند، پس نیاز است که معلم نیز مهارت لازم را داشته باشد، به همین سبب با نگاهی کلی‌تر در همه دوره‌ها و شرایط نیاز است که معلمان مهارت‌های لازم را کسب کنند، در کلاس‌های چندپایه این نیاز بیشتر احساس می‌شود».

مصاحبه شونده شماره ۱۵ در این خصوص گفت: «به نظر می‌رسد می‌توان بهترین معلمان را کسانی دانست که اوقات خود را صرف یادگیری می‌کنند. یک معلم کار آمد معمولاً تحولات مربوط به

رشته خود را تعقیب می‌کند و دائماً مهارت‌های خویش را بهبود می‌بخشد. آنها همواره در حال آموختن هستند. به عبارتی دیگر آنها دائماً در حال شاگردی کردن هستند، در عصر دانایی معلمان باید به مهارت‌هایی دست پیدا کنند تا به کمک آنها از قافله علم و تکنولوژی که به سرعت از کنار ما می‌گذرد، عقب نمانند. بلکه با او همگام شده و از طریق آن جامعه را بسازند، پس نیاز است که مهارت‌های شغلی را به‌خوبی و متناسب با شرایط آموزش ببینند.

محتوا آموزشی و ارتقا سطح سواد رسانه‌ای: مصاحبه شونده شماره ۶ گفت: «ارتباط با رسانه و نحوه استفاده از آن، به طور قطع امروزه جزو ضروریات است، معلم به‌عنوان مرجع علمی باید چند گام از دانش آموزان جلوتر باشد، به همین سبب از دید من لازم است که در محتوی توانمندسازی معلمان سواد رسانه‌ای نیز لحاظ شود، معلمان از این طریق تقویت بشوند و بتوانند در این خصوص سواد مناسب کسب کنند».

زیر مقوله فرعی سوم: آموزش مهارت‌های روان‌شناختی: این زیر مقوله از مفاهیم تقویت مهارت روان‌شناختی، آموزش اخلاق و امور اخلاقی، مسائل فرهنگی در حوزه کودکان، روش‌های افزایش انگیزه دانش آموزان، تمرینات و راهکارهای افزایش خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی و زندگی در محیط بزرگ‌تر تشکیل شد.

آموزش‌های اخلاقی: مصاحبه شونده شماره ۸ گفت: «در نظر گرفتن اخلاقیات از ضروریات است، بدون در نظر گرفتن اخلاق قطعاً نمی‌توان معلم مناسبی شد، به همین سبب لازم است که در حوزه اخلاقیات نیز آموزش‌های لازم به معلمان ارائه شود تا با توجه به تغییرات صورت گرفته در جامعه و همچنین ایجاد شناخت در خصوص رفتارهای اخلاق‌مدار نیاز است که آموزش‌های لازم ارائه شود». مصاحبه شونده شماره ۳ گفت: «اگر چه نمی‌توان از معلمان انتظار داشت که مشاور راهنما باشند اما آنها باید مشاهده‌گر حساس رفتار انسان باشند. آنها باید سعی کنند به هیجان‌های دانش آموزان با یکی از روش‌های یادگیری پاسخ دهند. آنها باید بدانند چه وقتی یک دانش آموز خاص نیازمند خدمات ویژه بهداشت روانی است. در هر کلاسی دانش‌آموزانی وجود دارند که مشکلات شخصیتی‌شان را به معلم اظهار می‌کنند به همین جهت معلم باید بتواند این شرایط را مدیریت کند، نیاز است که در دروس توانمندسازی به ابعاد روان‌شناختی، اخلاقی، مهارتی، انگیزشی توجه شود».

آموزش امور روان‌شناختی: مصاحبه شونده شماره ۱۳ گفته است: «برای کنترل بهتر و موفق‌تر کلاس آشنایی با امور اولیه روان‌شناختی واجب می‌باشد، لازم است که معلمان با اصول روان‌شناختی آشنایی داشته باشند تا بتوانند بحران‌های پیشروی خود را مدیریت کنند و بتوانند برخورد مناسب با دانش‌آموزان داشته باشند».

مفهوم آموزش افزایش انگیزه: مصاحبه شونده شماره ۴ گفته است: «هیچ معلمی به شکل خودکار یا سحرآمیز نمی‌تواند یادگیری را در دانش‌آموز ایجاد کند. دانش‌آموز باید فعالیت کند. یکی از مهمترین نقش‌هایی که یک معلم می‌پذیرد، انگیزه‌آفرینی است، انگیزه آفرینی نیاز به آموزش مناسب در این خصوص دارد، معلم باید بتواند با آموزش مناسب در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند و آنها را آماده پذیرش دروس جدید کند، به همین دلیل نیاز است که معلمان روان‌شناختی، حرفه‌ای، خلاقیت محوری، فرهنگی، فردی را بدانند، تسلط داشته باشند تا بتوانند به نتیجه بهینه برسند به همین جهت به این ابعاد در دروس توانمندسازی باید توجه شود».

آموزش افزایش خلاقیت: مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: «برای توانمندسازی نیروی انسانی در آموزش پرورش و مدارس چندپایه باید به نظر من بیشتر بر توانایی کنترل محیط و همچنین خلاقیت معلمان تأکید شود، زیرا معلمی که بتواند با خلاقیت خود مطالب مفیدی را به دانش‌آموزان ارائه بدهد و همچنین این خلاقیت را به دانش‌آموزان نیز انتقال دهد به نتیجه بهتری در حوزه آموزش خواهد رسید؛ در کنار این امر کنترل کردن شرایط محیطی و کسب توانایی لازم در این خصوص نیز می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد تا بتوانند با این ویژگی‌ها روش‌های خلاقانه‌تری برای تدریس استفاده کنند».

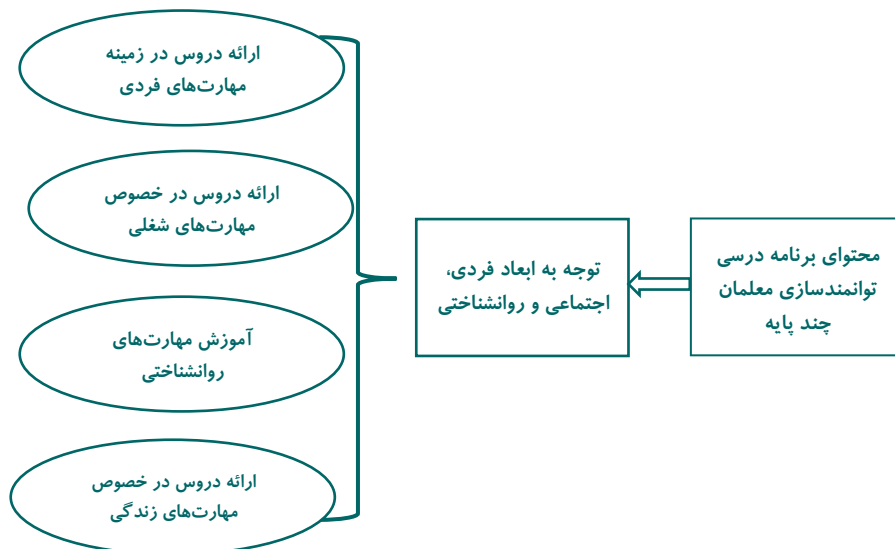
زیرمقوله فرعی چهارم: ارائه دروس در خصوص مهارت‌های زندگی اجتماعی: این زیرمقوله از مفاهیم محتوا افزایش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مسائل فرهنگی به کودکان و آموزش شهروندی اجتماعی تشکیل شد.

محتوی افزایش مهارت‌های اجتماعی: مصاحبه شونده شماره ۱۴ در این خصوص گفت: «در بیشتر مواقع، معلمان از نقششان به عنوان الگو، آگاهی کاملی ندارند. برای مثال، معلمان وقتی در مورد یک مشکل فکر می‌کنند، در حال ایفای نقش به عنوان یک الگو هستند، این معلم است که تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر روش دانش‌آموز دارد، وظیفه آموزش و پرورش است که کودک را هم فردی

شایسته بار آورد تا برای خود دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا فردی مفید برای دیگران باشد به همین سبب لازم است که مهارت‌های اجتماعی به معلمان آموزش داده شود تا معلمان نیز بتوانند این مهارت را به دانش‌آموزان منتقل کنند. روان‌شناختی، حرفه‌ای، خلاقیت محوری، از جمله ابعادی هستند که به نظر باید خیلی به آنها توجه شود».

آموزش مسائل فرهنگی به کودکان: مصاحبه شونده شماره ۱۵ گفت: «لازم است که به معلمان آموزش‌های فرهنگی متناسب با محیط و فرهنگ بومی و ملی ارائه شود تا آنها بتوانند این آموزش‌ها را به کودکان منتقل بکنند».

آموزش شهروندی اجتماعی: مصاحبه شونده شماره ۱ گفت: «اینکه یک فرد بتواند در جامعه مفید واقع شود، نسبت به مسایل روز آگاهی داشته باشد، بتواند مسایل را تفکیک کند، واکنش مناسب داشته باشد، در قبال دیگران واکنش مناسب داشته باشد و کمک به افراد نیازمند را وظیفه خود بداند نیاز است هم به معلمان و هم به دانش‌آموزان آموزش داده شود، به همین دلیل آموزش مهارت اجتماعی لازم است که در قالب شهروند اجتماعی باید ارائه شود».



شکل ۱. محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که اهداف برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه عبارت بودند از: الف: ارزیابی و بهبود مهارت روان‌شناختی و شغلی معلمان، ب: افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی، پ: افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس، ت: بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش، ث: شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی.

الف: ارزیابی و بهبود مهارت روان‌شناختی و شغلی معلمان: این مقوله از زیر مقوله‌های بهبود وضعیت توانایی معلمان، شناخت و ارزیابی میزان توانایی معلمان و پایش سلامت روانی معلمان تشکیل شد. بهبود وضعیت توانایی معلمان: این یافته‌ها با یافته‌های زوار و همکاران (۱۴۰۰)، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) و توماس و ولتهوس (۱۹۹۰) همسو بود. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه درسی هدفمند، یکی از ارکان اساسی بهبود کیفیت آموزش در مناطق محروم محسوب می‌شود. برنامه‌های درسی ویژه باید بر ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان در مدیریت هم‌زمان چندپایه تحصیلی تمرکز کنند. این برنامه‌ها می‌توانند با آموزش روش‌های تدریس فعال و انعطاف‌پذیر، توانایی معلمان را در ایجاد محیط یادگیری مؤثر افزایش دهند. همچنین، طراحی محتوای آموزشی مناسب که پاسخگوی نیازهای متنوع دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف باشد، از ضروریات این فرآیند است. آموزش مهارت‌های کلاس‌داری، شیوه‌های ارزشیابی مستمر و تکنیک‌های مدیریت زمان به معلمان کمک می‌کند تا چالش‌های کلاس‌های چندپایه را بهتر مدیریت کنند. ایجاد شبکه‌های حمایتی میان معلمان چندپایه برای تبادل تجربیات و راهکارهای عملی نیز در بهبود عملکرد آنها مؤثر خواهد بود. برنامه‌های توانمندسازی باید به صورت مستمر و مبتنی بر نیازهای واقعی معلمان طراحی شوند تا تأثیر ماندگاری داشته باشند. علاوه بر این، حمایت نهادهای آموزشی از طریق تأمین منابع و امکانات لازم، بستر مناسبی برای رشد حرفه‌ای این معلمان فراهم می‌کند. در نهایت، توانمندسازی معلمان چندپایه نه تنها کیفیت آموزش را بهبود می‌بخشد، بلکه به عدالت آموزشی در مناطق محروم نیز کمک شایانی می‌کند. این فرآیند با طراحی برنامه‌درسی هوشمندانه و توجه به شرایط ویژه کلاس‌های چندپایه محقق خواهد شد.

افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس: این یافته با یافته‌های آکداس و کالمن (۲۰۲۱)، میناندو (۲۰۲۰) و ادیب‌منش (۱۴۰۰) همسو بود. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه‌های

درسی کارآمد، مستلزم تأکید ویژه بر به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس است. برنامه‌های درسی باید معلمان را با آخرین شیوه‌های آموزشی فعال و دانش‌آموز محور آشنا سازند تا بتوانند در کلاس‌های چندپایه به‌طور مؤثر عمل کنند. استفاده از روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، تدریس تفکیکی و پروژه‌محور می‌تواند به معلمان در مدیریت هم‌زمان پایه‌های مختلف کمک شایانی کند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل کارگاه‌های عملی برای تمرین این روش‌ها باشد تا معلمان به‌صورت عینی با کاربرد آنها آشنا شوند. همچنین، ادغام فناوری‌های آموزشی ساده و در دسترس می‌تواند به غنای روش‌های تدریس در مناطق محروم بیفزاید. برنامه‌های توانمندسازی باید بر اصل تطبیق‌پذیری تأکید کنند، چرا که هر کلاس چندپایه شرایط منحصر به فردی دارد. ایجاد بانکی از الگوهای تدریس موفق چندپایه می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند در اختیار معلمان قرار گیرد. پیوند میان نظریه‌های آموزشی جدید و واقعیت‌های کلاس‌های چندپایه، از دیگر الزامات برنامه‌ریزی درسی است. ارزشیابی مستمر تأثیر این روش‌ها بر پیشرفت دانش‌آموزان، به اصلاح و بهبود مستمر برنامه‌ها کمک می‌کند. در نهایت، ترویج فرهنگ نوآوری آموزشی میان معلمان چندپایه، تحولی پایدار در کیفیت آموزش مناطق محروم ایجاد خواهد کرد.

بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش: این یافته با یافته‌های وفایی فر، قادری و ملکی آوارسین (۱۴۰۱)، ادیب‌منش (۱۴۰۰) و آکداس و کالمن (۲۰۲۱) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه درسی هدفمند، نقش محوری در بهبود و مدیریت کیفیت آموزش ایفا می‌کند. برنامه‌های درسی باید به معلمان بیاموزند که چگونه با چالش‌های منحصر به فرد کلاس‌های چندپایه از جمله تفاوت سطح یادگیری و سنی دانش‌آموزان کنار بیایند. این برنامه‌ها باید بر توسعه مهارت‌های مدیریت کلاس، طراحی فعالیت‌های آموزشی متنوع و روش‌های ارزشیابی مستمر تأکید ویژه داشته باشند. آموزش شیوه‌های نوین تدریس مانند یادگیری مشارکتی و پروژه‌محور به معلمان کمک می‌کند تا کیفیت آموزش را در شرایط پیچیده چندپایه حفظ کنند.

پایش سلامت روانی معلمان: این یافته با یافته‌های زوار و همکاران (۱۴۰۰)، صفری و همکاران (۱۳۹۸) و رضایی یونسی و پورشافعی (۱۳۹۲) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه‌های درسی باید به‌صورت جدی به موضوع سلامت روانی معلمان توجه کند. فشارهای ناشی از تدریس هم‌زمان چندپایه تحصیلی و شرایط سخت مناطق محروم، معلمان را در معرض

استرس‌های روانی شدید قرار می‌دهد. برنامه‌های درسی باید شامل آموزش مهارت‌های مقابله با استرس و مدیریت هیجانات باشد تا معلمان بتوانند با چالش‌های روانی محیط کار کنار بیایند. ایجاد سیستم‌های حمایتی روان‌شناختی مانند مشاوره‌های دوره‌ای و گروه‌های همدلی در برنامه‌ریزی درسی ضروری است. آموزش تکنیک‌های ذهن‌آگاهی و تمرینات آرامش‌بخش می‌تواند به معلمان در حفظ تعادل روانی کمک کند. برنامه‌ها باید معلمان را به شناسایی زود هنگام نشانه‌های فرسودگی شغلی و راهکارهای پیشگیرانه مجهز کنند. ایجاد فضای امن برای بیان دغدغه‌ها و مشکلات روانی در محیط کار باید بخشی از برنامه‌های توانمندسازی باشد. کاهش فشارهای روانی معلمان مستقیماً بر کیفیت تدریس و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت خواهد گذاشت. برنامه‌ریزی درسی باید مکانیسم‌های ارزیابی مستمر سلامت روان معلمان را در طول سال تحصیلی پیش‌بینی کند. در نهایت، توجه به سلامت روان معلمان نه تنها به بهبود عملکرد حرفه‌ای آنها کمک می‌کند، بلکه محیط یادگیری سالم‌تری برای دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد.

ب: افزایش مهارت‌های کاری و فردی و روان‌شناختی: این مقوله از زیر مقوله‌های تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان و افزایش مهارت‌های فردی معلمان تشکیل شده است.

تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان: این یافته با یافته‌های صفری و همکاران (۱۳۹۸) و رضایی و پورشافعی (۱۳۹۲) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق تقویت مهارت‌های روان‌شناختی، یکی از ارکان اساسی طراحی برنامه‌های درسی مؤثر محسوب می‌شود. این برنامه‌ها باید به معلمان بیاموزند که چگونه با چالش‌های عاطفی و روانی ناشی از تدریس در کلاس‌های چندپایه کنار بیایند. آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر به معلمان کمک می‌کند تا تعامل بهتری با دانش‌آموزان در سنین و سطوح مختلف داشته باشند. برنامه‌های درسی باید شامل تمرین‌های عملی برای مدیریت استرس و جلوگیری از فرسودگی شغلی باشد. تقویت هوش هیجانی معلمان موجب می‌شود آنها بتوانند به نیازهای عاطفی متنوع دانش‌آموزان پاسخ مناسب دهند. آموزش تکنیک‌های حل تعارض به معلمان کمک می‌کند تا اختلافات بین دانش‌آموزان با سنین مختلف را به شیوه‌ای سازنده مدیریت کنند. برنامه‌ریزی درسی باید امکان ایجاد شبکه‌های حمایتی روانی بین معلمان چندپایه را فراهم آورد. توسعه مهارت‌های انگیزشی در معلمان موجب افزایش مشارکت و علاقه‌مندی دانش‌آموزان می‌شود. آموزش روش‌های خودمراقبتی روانی به معلمان کمک می‌کند تا

در شرایط سخت آموزشی سلامت روان خود را حفظ کنند. در نهایت، تقویت این مهارت‌ها منجر به ایجاد محیط یادگیری امن و پویا برای دانش‌آموزان و معلمان خواهد شد.

افزایش مهارت‌های فردی معلمان: این یافته با یافته‌های تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق افزایش مهارت‌های فردی، یکی از اهداف کلیدی در طراحی برنامه‌های درسی اثربخش است. برنامه‌های آموزشی باید بر توسعه توانمندی‌های شخصی معلمان مانند اعتمادبه‌نفس، انعطاف‌پذیری و خلاقیت تمرکز کنند. تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری سریع و حل مسئله به معلمان کمک می‌کند تا در شرایط پیچیده کلاس‌های چندپایه عملکرد بهتری داشته باشند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل آموزش مهارت‌های سازماندهی و مدیریت زمان باشد تا معلمان بتوانند چندین پایه را به صورت هم‌زمان اداره کنند. توسعه مهارت‌های ارتباطی و بین فردی موجب بهبود تعامل معلمان با دانش‌آموزان، همکاران و اولیاء می‌شود. آموزش مهارت‌های فناوری اطلاعات به معلمان کمک می‌کند تا از ابزارهای دیجیتال برای غنی‌سازی آموزش استفاده کنند. برنامه‌ها باید به تقویت مهارت‌های پژوهشی و تفکر انتقادی معلمان بپردازند تا بتوانند چالش‌های آموزشی را تحلیل کنند. توسعه مهارت‌های رهبری آموزشی به معلمان کمک می‌کند تا نقش مؤثرتری در پیشرفت مدرسه و جامعه محلی ایفا کنند.

پ: افزایش استفاده از روش‌های نوین تدریس: این مقوله از زیر مقوله‌های آشنایی بیشتر با اصول و مبانی آموزشی و شناخت شیوه‌های تدریس نوین و پر بازده به دست آمده است.

آشنایی بیشتر با اصول و مبانی آموزش: این یافته با یافته‌های آقازاده و فضلی (۱۳۸۴) و ادیب‌منش (۱۴۰۰) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق آشنایی عمیق‌تر با اصول و مبانی آموزشی، یکی از ارکان اساسی طراحی برنامه‌های درسی کارآمد محسوب می‌شود. این برنامه‌ها باید معلمان را با نظریه‌های یادگیری و روان‌شناسی تربیتی به‌روز آشنا سازند تا درک بهتری از فرآیند یادگیری دانش‌آموزان داشته باشند. آشنایی با سیر تحول برنامه‌های درسی و روش‌های نوین ارزشیابی به معلمان کمک می‌کند تا آموزش خود را با استانداردهای روز هماهنگ کنند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل مباحثی درباره تفاوت‌های فردی و سبک‌های یادگیری باشد تا معلمان بتوانند به نیازهای متنوع دانش‌آموزان پاسخ دهند. آموزش اصول طراحی آموزشی و تکنیک‌های تدریس مؤثر، معلمان را برای مدیریت کلاس‌های چندپایه مجهز می‌کند. مطالعه موردی الگوهای

موفق آموزشی در مدارس چندپایه می تواند بینش عملی ارزشمندی به معلمان بدهد. برنامه ها باید به بررسی چالش های خاص آموزش در مناطق محروم و راهکارهای عملی برای مواجهه با آنها پردازند. آشنایی با اصول ارتباط مؤثر و مدیریت کلاس درس، از دیگر مؤلفه های ضروری این برنامه هاست. در نهایت، این دانش نظری و عملی به معلمان کمک می کند تا با آگاهی بیشتری به طراحی و اجرای فعالیت های آموزشی پردازند و کیفیت یادگیری در کلاس های چندپایه را ارتقا دهند.

شناخت شیوه های تدریس نوین و پر بازده: این یافته با یافته های شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) و ادیب منش (۱۴۰۰) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق آشنایی با شیوه های تدریس نوین، یکی از ارکان اساسی طراحی برنامه های درسی اثربخش است. این برنامه ها باید معلمان را با روش های فعال یادگیری مانند یادگیری مشارکتی، یادگیری پروژه محور و یادگیری معکوس آشنا سازند تا بتوانند کلاس های چندپایه را به صورت پویا مدیریت کنند. آموزش تکنیک های تدریس تفکیکی به معلمان کمک می کند تا هم زمان به نیازهای آموزشی دانش آموزان در سطوح مختلف پاسخ دهند. برنامه ریزی درسی باید شامل کارگاه های عملی برای تمرین روش های نوین تدریس باشد تا معلمان به صورت ملموس با کاربرد آنها آشنا شوند. آشنایی با الگوهای تدریس ترکیبی که در آن از فناوری های ساده آموزشی نیز استفاده می شود، می تواند به غنای آموزش در مناطق محروم کمک کند. آموزش روش های ارزشیابی فرآیند محور به جای نتیجه محور، از دیگر مؤلفه های مهم این برنامه هاست. معلمان باید با اصول طراحی فعالیت های یادگیری انعطاف پذیر آشنا شوند تا بتوانند برای پایه های مختلف برنامه ریزی کنند. مطالعه موردی تجارب موفق معلمان چندپایه در استفاده از روش های نوین، می تواند الهام بخش باشد.

د. بهبود و مدیریت روند و کیفیت آموزش: این مقوله از زیر مقوله های سنجش و افزایش کیفیت آموزش و مدیریت مناسب مالی و زمانی تشکیل شده است.

سنجش و افزایش کیفیت آموزش: افزایش کیفیت آموزش در کلاس های چندپایه، نه تنها باعث ارتقای سطح یادگیری دانش آموزان می شود، بلکه اعتماد به نفس، انگیزه و رضایت شغلی معلمان را نیز بالا می برد. این مؤلفه یکی از ارکان کلیدی در فرایند توانمندسازی معلمان محسوب می شود و باید در برنامه های آموزشی و حرفه ای آنها به صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد.

مدیریت مناسب مالی و زمانی: شناخت مدیریت مناسب مالی و زمانی یکی از جنبه‌های کلیدی توانمندسازی معلمان است که به آنها کمک می‌کند تا منابع محدود خود را بهینه مدیریت کرده و بهره‌وری بیشتری در زندگی حرفه‌ای و شخصی داشته باشند. مدیریت مالی مناسب؛ مدیریت مالی به معنای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و کنترل منابع مالی است. برای معلمان، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا معمولاً درآمد آنها ثابت و محدود است.

ث: شناخت و مدیریت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی: این مقوله از زیر مقوله‌های، اهمیت سازگاری و شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ، شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی به دست آمده است. اهمیت سازگاری و شناخت مناسب از منطقه و فرهنگ: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹)، مینادو (۲۰۲۰) و آکداس و کالمن (۲۰۲۱) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه مستلزم طراحی برنامه‌های درسی است که بر سازگاری فرهنگی و شناخت عمیق از شرایط منطقه‌ای تأکید داشته باشد. برنامه‌های آموزشی باید معلمان را با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی آشنا کنند تا بتوانند محتوای درسی را با نیازهای واقعی دانش‌آموزان تطبیق دهند. آشنایی با آداب و رسوم، زبان محلی و ارزش‌های بومی به معلمان کمک می‌کند تا ارتباط مؤثرتری با دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان برقرار کنند. برنامه‌ریزی درسی باید انعطاف‌پذیر باشد تا معلمان بتوانند با توجه به امکانات محدود مناطق محروم، راهکارهای عملی ارائه دهند. همچنین، درک چالش‌های خاص هر منطقه (مانند دوری مسافت، کمبود منابع یا مشغله‌های اقتصادی دانش‌آموزان) به معلمان در طراحی روش‌های آموزشی مناسب کمک می‌کند. استفاده از مثال‌ها و محتوای بومی در تدریس نه تنها یادگیری را معنادارتر می‌کند، بلکه موجب افزایش مشارکت جامعه محلی در فرآیند آموزش می‌شود. در نهایت، این رویکرد محلی محور منجر به افزایش اثربخشی آموزشی، کاهش افت تحصیلی و تقریب بیشتر مدرسه با محیط زندگی دانش‌آموزان خواهد شد.

شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹)، آکداس و کالمن (۲۰۲۱) و مینادو (۲۰۲۰) همسو است. این یافته بیان می‌کند که طراحی برنامه درسی برای توانمندسازی معلمان چندپایه، به دنبال آشنایی و تقویت توانایی آنها در شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی است. معلمان چندپایه در محیط‌های آموزشی با دانش‌آموزان دختر و پسر از سطوح مختلف تحصیلی سروکار دارند که هر یک ممکن است نیازها، علایق و رفتارهای

متفاوتی داشته باشند. شناخت این تفاوت‌ها به معلمان کمک می‌کند تا فضایی عادلانه و حمایت‌گر ایجاد کنند و از سویی، با درک نیازهای خاص هر جنس، روش‌های تدریس و تعامل خود را تنظیم کنند. این رویکرد به کاهش تبعیض‌های ناخودآگاه، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و ایجاد اعتماد به نفس در آنها کمک می‌کند. در نهایت، مدیریت مناسب تفاوت‌های جنسیتی به ارتقای کیفیت آموزش و پیشرفت همه دانش‌آموزان منجر می‌شود. هدف از طراحی برنامه درسی، تقویت توانایی معلمان چندپایه در شناخت و مدیریت تفاوت‌های جنسیتی است تا بتوانند فضایی عادلانه ایجاد کرده و نیازهای همه دانش‌آموزان را به‌طور مؤثر پاسخ دهند.

محتوای برنامه درسی توانمندسازی معلمان کلاس‌های چندپایه عبارت بودند از: توجه به ابعاد فردی و اجتماعی روان‌شناختی

توجه به ابعاد فردی و اجتماعی روان‌شناختی: این مقوله از زیر مقوله‌های، ارائه دروس در زمینه مهارت‌های فردی، ارائه دروس در خصوص مهارت‌های شغلی، آموزش مهارت‌های روان‌شناختی و ارائه دروس در خصوص مهارت‌های زندگی اجتماعی به‌دست آمده است.

ارائه دروس در زمینه مهارت‌های فردی: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) ادیب‌منش (۱۴۰۰) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه‌های درسی متمرکز بر مهارت‌های فردی، یکی از ارکان اساسی بهبود کیفیت آموزش در کلاس‌های چندپایه است. برنامه‌های آموزشی باید بر تقویت مهارت‌های شخصی معلمان مانند مدیریت زمان، سازماندهی مؤثر و انعطاف‌پذیری شناختی تأکید کنند تا بتوانند هم‌زمان چندپایه را به‌صورت کارآمد مدیریت نمایند. آموزش مهارت‌های ارتباطی و هوش هیجانی به معلمان کمک می‌کند تا تعامل بهتری با دانش‌آموزان در سنین و سطوح مختلف داشته باشند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل تمرین‌های عملی حل مسئله و تصمیم‌گیری باشد تا معلمان بتوانند به چالش‌های روزمره کلاس‌های چندپایه پاسخ دهند. توسعه مهارت‌های خودتنظیمی و مدیریت استرس از ضروریات این برنامه‌هاست، چرا که فشار کاری در کلاس‌های چندپایه بسیار بالاست. آموزش مهارت‌های فناوری و سواد دیجیتال نیز معلمان را قادر می‌سازد تا از ابزارهای نوین برای غنی‌سازی آموزش استفاده کنند. برنامه‌ها باید بر تقویت خلاقیت و نوآوری آموزشی تمرکز داشته باشند تا معلمان بتوانند با امکانات محدود، محیط یادگیری جذابی ایجاد کنند. در نهایت، این مهارت‌های فردی به معلمان

کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس و کارایی بهتر به ایفای نقش بپردازند و کیفیت آموزشی در مناطق محروم را ارتقا دهند.

ارائه دروس در خصوص مهارت‌های شغلی: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹) و ادیب‌منش (۱۴۰۰) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق طراحی برنامه‌های درسی متمرکز بر مهارت‌های شغلی، یکی از ارکان اساسی ارتقای کیفیت آموزش در کلاس‌های چندپایه محسوب می‌شود. این برنامه‌ها باید مهارت‌های تخصصی تدریس چندپایه مانند برنامه‌ریزی درسی انعطاف‌پذیر، طراحی فعالیت‌های آموزشی متنوع و ارزشیابی تفکیکی را به معلمان بیاموزند. آموزش روش‌های کلاس‌داری مؤثر به معلمان کمک می‌کند تا نظم و انضباط را در محیط‌های آموزشی پیچیده چندپایه حفظ کنند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل تکنیک‌های مدیریت منابع محدود باشد تا معلمان بتوانند با کمترین امکانات، بهترین نتایج آموزشی را کسب نمایند. توسعه مهارت‌های مشاهده و ارزیابی دقیق پیشرفت دانش‌آموزان در سطوح مختلف، از دیگر مؤلفه‌های کلیدی این برنامه‌هاست. آموزش اصول راهنمایی و مشاوره آموزشی به معلمان کمک می‌کند تا به نیازهای فردی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف پاسخ دهند. برنامه‌ها باید بر مهارت‌های کار تیمی و شبکه‌سازی حرفه‌ای بین معلمان چندپایه تأکید کنند تا امکان تبادل تجربیات فراهم شود. در نهایت، این مهارت‌های شغلی به معلمان کمک می‌کند تا با کارایی بالاتر و استرس کمتر به ایفای نقش بپردازند و عدالت آموزشی را در مناطق محروم محقق سازند.

آموزش مهارت‌های روان‌شناختی: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹)، ادیب‌منش (۱۴۰۰) و نوریان و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. این یافته بیان می‌کند که طراحی برنامه درسی برای توانمندسازی معلمان چندپایه، شامل آموزش مهارت‌های روان‌شناختی است تا به معلمان کمک کند درک عمیق‌تری از خود، دانش‌آموزان و فرآیند آموزش پیدا کنند. مهارت‌های روان‌شناختی مانند مدیریت استرس، همدلی، حل تعارض، انگیزش و درک نیازهای عاطفی دانش‌آموزان، نقش مهمی در بهبود تعاملات کلاسی و افزایش کیفیت آموزش دارند. معلمان چندپایه به دلیل کار با گروه‌های متنوع و شرایط پیچیده آموزشی، نیازمند این مهارت‌ها هستند تا بتوانند با چالش‌های رفتاری و عاطفی دانش‌آموزان به‌طور مؤثر کنار بیایند. آموزش این مهارت‌ها نه تنها به بهبود عملکرد حرفه‌ای معلمان کمک می‌کند، بلکه محیطی مثبت و حمایت‌گر برای

دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. در نهایت، این امر منجر به افزایش انگیزه، رضایت شغلی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. هدف از طراحی برنامه درسی، تقویت مهارت‌های روان‌شناختی معلمان چندپایه است تا بتوانند بهتر با چالش‌های آموزشی و عاطفی دانش‌آموزان کنار بیایند و کیفیت فرآیند آموزشی را ارتقا دهند.

توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق آموزش مهارت‌های روان‌شناختی، یکی از ارکان اساسی طراحی برنامه‌های درسی مؤثر محسوب می‌شود. این برنامه‌ها باید مهارت‌های ارتباطی مؤثر را تقویت کنند تا معلمان بتوانند با دانش‌آموزان در سنین و سطوح مختلف تعامل بهتری برقرار نمایند. آموزش تکنیک‌های مدیریت استرس و هیجانات به معلمان کمک می‌کند تا با فشارهای روانی محیط‌های آموزشی چندپایه کنار بیایند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل مهارت‌های حل تعارض باشد تا معلمان بتوانند اختلافات بین دانش‌آموزان را به شیوه‌ای سازنده مدیریت کنند. توسعه هوش هیجانی و همدلی موجب درک بهتر نیازهای عاطفی و روانی دانش‌آموزان می‌شود. آموزش اصول روان‌شناسی رشد کودک به معلمان کمک می‌کند تا انتظارات واقع‌بینانه‌ای از دانش‌آموزان در سنین مختلف داشته باشند. برنامه‌ها باید بر مهارت‌های انگیزشی و تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان تأکید کنند تا محیط یادگیری پویایی ایجاد شود. در نهایت، این مهارت‌های روان‌شناختی به معلمان کمک می‌کند تا فضای آموزشی امن و حمایت‌گری ایجاد کنند که یادگیری مؤثر را برای همه دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تسهیل نماید.

ارائه دروس در خصوص مهارت‌های زندگی اجتماعی: این یافته با یافته‌های، شاهزاده تیمورلو و همکاران (۱۳۹۹)، نوریان و همکاران (۱۳۹۵) و ادیب‌منش (۱۴۰۰) همسو است. توانمندسازی معلمان چندپایه از طریق آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی یکی از ابعاد کلیدی برنامه‌های درسی اثربخش محسوب می‌شود. این برنامه‌ها باید مهارت‌های ارتباط بین‌فردی را تقویت کنند تا معلمان بتوانند با دانش‌آموزان، همکاران و جامعه محلی تعامل مؤثرتری داشته باشند. آموزش اصول حل تعارض و مذاکره به معلمان کمک می‌کند تا اختلافات در کلاس‌های چندپایه را به شیوه‌ای سازنده مدیریت نمایند. برنامه‌ریزی درسی باید شامل مهارت‌های کار گروهی و همکاری باشد تا معلمان بتوانند فرهنگ مشارکت را در بین دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تقویت کنند. توسعه مهارت‌های تصمیم‌گیری جمعی به معلمان کمک می‌کند تا دانش‌آموزان را در فرآیندهای کلاسی مشارکت

دهند. آموزش اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب تقویت نقش معلمان به‌عنوان الگوهای رفتاری در جامعه می‌شود. برنامه‌ها باید بر مهارت‌های انطباق با تنوع فرهنگی تأکید کنند تا معلمان بتوانند با تفاوت‌های قومی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌خوبی کنار بیایند. در نهایت، این مهارت‌ها به معلمان کمک می‌کند تا فضای کلاس را به جامعه‌ای کوچک تبدیل کند که در آن ارزش‌های شهروندی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آموزش داده می‌شود.

براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادهایی در ادامه ارائه می‌شود:

- دوره‌هایی با محتوای مهارت‌های مدیریتی، تلفیق دروس، ارزشیابی چندسطحی و راهبردهای آموزش تلفیقی طراحی و اجرا شود.
- راهنماهای محتوایی مخصوص این کلاس‌ها، با همکاری کارشناسان آموزشی تدوین گردد.
- برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌های آنلاین و گروه‌های هم‌اندیشی برای تبادل تجربه میان معلمان کلاس‌های چندپایه می‌تواند منجر به ارتقای حرفه‌ای آنها شود.
- محتوای آموزشی متنوع، براساس سطوح شناختی متفاوت دانش‌آموزان طراحی گردد (مثلاً کتاب‌های کمکی، ویدیوهای آموزشی، فعالیت‌های عملی چندمرحله‌ای).
- ایجاد بسته‌های پشتیبانی مشاوره‌ای و روان‌شناختی از طریق مدارس یا ادارات آموزش و پرورش توصیه می‌شود.
- برای مناطق روستایی و دورافتاده، امتیازات ویژه‌ای برای جذب معلمان با انگیزه در نظر گرفته شود و برای تثبیت آنها در این مناطق حمایت‌های مالی و رفاهی انجام شود.

منابع

- ادیب‌منش، مرزبان. (۱۴۰۰). تجارب زیسته معلمان دوره ابتدایی و متوسطه از چالش‌های تدریس و ارائه راهکارهایی به‌منظور توانمندسازی معلمان برای تدریس در فضای مجازی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۸(۷۰)، ۶۰-۷۵.
- آقازاده، محرم و فضل‌ی، رخساره. (۱۳۸۴). راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه. تهران: انتشارات آبیژ.
- بهمن‌نیا، سینا و محمدیان‌آذر، تورج. (۱۳۹۶). شیوه اداره و مدیریت کلاس درسی چندپایه. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳(۱ و ۲)، ۱۴۴-۱۳۵.
- رضایی‌یونسی، محترم و پورشافعی، هادی. (۱۳۹۲). توسعه منابع انسانی با رویکرد توانمندسازی روان‌شناختی. دومین همایش ملی علوم مدیریت نوین. گرگان: مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی حکیم جرجانی.
- زوار، تقی، شبان‌بسیم، فرناز و مهدی‌زاده، جعفر. (۱۴۰۰). پیش‌بینی عملکرد شغلی معلمان براساس توانمندسازی روان‌شناختی و سبک رهبری مدیران. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۷(۱)، ۱۸۲-۱۶۱.
- شاهزاده تیمورلو، حوریه، خدایاری، عباس، نوربخش، مهوش و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۹). طراحی الگوی توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی با رویکرد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۸(۱۸)، ۹۱-۱۱۲.
- صفری، امید، حسینی، فاطمه و صفری، غلامرضا. (۱۳۹۸). تعیین ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان فارس. توانمندسازی سرمایه انسانی، ۲(۵)، ۱۱۱-۱۰۵.
- مشکین‌فام، مژده، خسروی بابادی، علی، عباسی سروک، لطف‌الله و پوشنه، کامبیز. (۱۴۰۲). شناسایی عناصر برنامه درسی کلاس‌های چندپایه دوره‌ی ابتدایی، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۷(ویژه‌نامه)، ۱۲۶-۱۳۸.
- نیازآذری، کیومرث، اسماعیلی شاد، بهرنگ و ربیعی، مجید. (۱۳۹۰). سیاستگذاری و فرآیند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی، قائمشهر: مهر النبی.

وفایی فر، گلاویژ، قادری، مصطفی و ملکی آوارسین، صادق. (۱۴۰۱). طراحی و اعتباریابی الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۸(۲)، ۱۴۲-۱۳۳.

- Ahmed, F., Shahzad, K., Aslam, H., Bajwa, S. U., & Bahoo, R. (2016). The role of collaborative culture in knowledge sharing and creativity among employees. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 10(2), 335-358.
- Akdaş, M. S., & Kalman, M. (2021). Challenges affecting teaching-learning processes in multi-grade classes: A comparison of pre-pandemic and peri-pandemic periods. *Advances in Global Education and Research*, 4, 1-13.
- Anshari, M., Almunawar, M. N., Younis, M. Z., & Kisa, A. (2021). Modeling users' empowerment in e-health systems. *Sustainability*, 13(23), 12993.
- Balkar, B. (2015). Defining an empowering school culture (ESC): Teacher perceptions. *Issues in Educational Research*, 25(3), 205-225.
- Berry, C. (2000). *Multigrade teaching: A discussion document*. Retrieved February 21, 2022 from <http://multigrade.ioe.ac.uk/fulltext/fulltextBerry.pdf>
- Best, R. (2016). New perspectives on young children's moral education: Developing character through a virtue ethics approach. *International Journal of Children's Spirituality*, 21(2), 1-4.
- Choi, S. L., Goh, C. F., Adam, M. B. H., & Tan, O. K. (2016). Transformational leadership, empowerment, and job satisfaction: The mediating role of employee empowerment. *Human Resources for Health*, 14(1), 73-87.
- Cooper, H. & Elton-Chalcraft, S. (Eds). (2018). *Professional studies in primary education*. New York: Sage.
- Driscoll, K. (2017). Primary school mathematics leaders' views of their mathematics leadership role. In A. Downton, S. Livy, & J. Hall (Eds.), 40 years on: We are still learning! *Proceedings of the 40th Annual Conference of the Mathematics Education Research Group of Australasia*, 213-220. Melbourne: MERGA
- Eki, A. K. T., Ngadilah, C., & Eky, Y. E. (2024). Empowerment poor communities with the strengths-perspective in empowerment theory. *Eduvest-Journal of Universal Studies*, 4(2), 650-657.
- Fernandes, G. (2024). The importance of primary education in Brazil, in the context of the fourth industrial revolution. *Inclusão Social*, 17(2), 234-256.

- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Hyry-Belhammer, E. K., & Hascher, T. (2015). Multi-grade teaching practices in Austrian and Finnish primary schools. *International Journal of Educational Research*, 74, 104-113.
- Karareba, G., Clarke, S., & O'Donoghue, T. (2017). *Primary school leadership in post-conflict Rwanda: A narrative arc*. Springer.
- Mnyandu, S. Z. (2020). *Exploring teaching strategies used by teachers in multi-grade classroom in rural settings in the Umlazi district*. Thesis on Masters of Education in the Discipline of Curriculum Studies, University of KwaZulu-Natal.
- Petriello, M. A., Redmore, L., Sène, A. L., Katju, D., Barraclough, L., Boyd, S. & Yalamala, R. S. (2025). The scope of empowerment for conservation and communities. *Conservation Biology*, 39(1), e14249.
- Thomas, K. W., & Velthouse, B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An interpretive model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Review*, 15(4), 666-681.
- Thomas, S. (2017). Teacher empowerment: A focused ethnographic study in Brunei Darussalam. *The Qualitative Report*, 22(1), 47-72.
- Thrupp, M. (2017). Helping teachers and school leaders to become extra- critical of global education reform. In *A Companion to Research in Teacher Education* (401-411). Singapore: Springer.
- Yang, S., & Eunjo Oh. (2024). Study on the development and Influencing factors of psychological Empowerment. *International Journal of Social Sciences and Public Administration*, 4(3), 177-191.
- Yilmaz, S., Kesgin, E., & Canberk, Ş. (2024). Evaluation of primary reading teaching in multigrade classes according to teachers' views. *International Journal of Scholars in Education*, 7(1), 34-46.